



## عبور شتر از سوراخ سوزن: تفسیری قرآنی از انجیل‌ها

مؤلف: عبدالله گلداری\*

مترجم: نسیم حسنی\*\*

### چکیده

استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن در انجیل‌های هم‌نوا (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵) و قرآن (سوره اعراف، آیه ۴۰) مطرح شده است. ظاهراً انجیل می‌گوید که عبور شتر از سوراخ سوزن راحت‌تر از ورود فردی ثروتمند به قلمرو بهشت است. از سوی دیگر، قرآن این استعاره را در بافتار تکذیب‌کنندگانی بیان می‌کند که در برابر آیات خدا متکبرند (اسْتَكْبَرُوا). در بادی امر به نظر می‌رسد که بافتار این استعاره در انجیل‌ها و قرآن متفاوت است. اما با تحلیل دقیق‌تر کلیدواژه‌ها، تشابهاتی متنی دیده می‌شود که از هر دو متن قابل استخراج هستند و برخلاف تصور محققان پیشین، فراتر از کاربرد مشترک این تمثیل است. برای نمونه، مرد ثروتمند در انجیل‌ها از به‌ارث‌بردن زندگی جاودانه می‌پرسد، و درعین حال قرآن نیز در مورد زندگی جاودانه و میراث‌بری در بافتاری مشابه صحبت می‌کند. این موارد و چندین تشابه متنی دیگر حاکی از آن است که قرآن تلویحاً همان بافتاری را برای استعاره مطرح می‌کند که انجیل‌ها هم به آن می‌پردازند.

**کلید واژگان:** میان‌متنیت، قرآن، انجیل‌ها.

---

\* مدرس دانشگاه الخلیفه ابوظیبی، امارات متحده عربی [abdulla.galadari@ku.ac.ae](mailto:abdulla.galadari@ku.ac.ae)

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
[nasimshasani@gmail.com](mailto:nasimshasani@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۲

#### مقدمه

در این گفتار استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن در انجیل‌های هم‌نوا (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵)<sup>۱</sup> و قرآن (سوره اعراف، آیه ۴۰) مقایسه شده است. در آیه ۴۰ سوره اعراف آمده است: «در حقیقت کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از (پذیرفتن) آنها تکبر ورزیدند (اسْتَكْبَرُوا)، درهای آسمان (السَّمَاء) را برایشان نمی‌گشایند و در بهشت در نمی‌آیند مگر آنکه شتر (الْجَمَل) در سوراخ سوزن داخل شود و بدین‌سان بزهکاران را کیفر می‌دهیم.<sup>۲</sup>

در این آیه به‌نظر می‌رسد قرآن خطاب به کسانی که در مقابل نشانه‌های خدا تکبر می‌ورزند (اسْتَكْبَرُوا) می‌گوید نه درهای بهشت به روی آنها باز می‌شود و نه به آن وارد خواهند شد، {مگر} وقتی که شتر از سوراخ سوزن عبور کند. اریک بیشپ (۱۹۴۱) رابطه بین این آیه قرآن و قول معروف عیسی در انجیل‌های هم‌نوا را بررسی کرده است (صص. ۳۵۴-۳۵۹). از نظر او احتمالاً تنها نقل‌قول مستقیم قرآن از انجیل‌ها همین بخش است که در آن از درهای بهشت و قلمرو خداوند صحبت می‌شود.

آنگاه عیسی به شاگردان خویش را گفت: «به‌راستی شما را می‌گویم که در آمدن به ملکوت آسمان‌ها بر توانگر<sup>۳</sup> دشوار خواهد بود. آری، دگر بار شما را می‌گویم که گذشتن شتر از روزن سوزن آسان‌تر است تا در آمدن توانگر به ملکوت آسمان‌ها» (صص. ۳۵۴-۳۵۹).

اما با وجود هم‌سانی‌ها بین متون کتاب‌مقدسی و قرآن، ناهم‌سانی‌ای قابل‌ملاحظه نیز وجود دارد: انجیل‌ها از فرد ثروتمند می‌گویند، حال آنکه قرآن از کسانی سخن می‌گوید که متکبرانه آیات خداوند را تکذیب می‌کنند. اگر بپذیریم که قرآن نقل‌قولی از متن کتاب‌مقدسی است (یا اشاره‌ای به آن دارد)، پس چرا به‌نظر می‌رسد که از سنخی دیگر از مردم سخن می‌گوید؟ مگر اینکه قرآن کسانی را که متکبرانه آیات خداوند را تکذیب

#### 1. Synoptic Gospels

۲. ترجمه آیات قرآن کریم در متن انگلیسی برگرفته از نصر (۲۰۱۵) است؛ ترجمه فارسی در متن حاضر از فولادوند است. کمانک‌ها {} در سراسر متن از مترجم است (پانوش شماره ۱ در متن انگلیسی به قرینه این پانوش حذف می‌شود). - م.

#### 3. Plousios

می‌کنند با {فرد} ثروتمند برابر داند. بررسی دقیق و زبان‌شناسانه انجیل‌ها و قرآن ارتباطی جالب را آشکار می‌کند که می‌تواند حاکی از آن باشد که وقتی قرآن این آیه را نقل قول می‌کند انجیل را (یونانی یا آرامی)<sup>۱</sup> بدون تغییر چندانی در موضوع، تفسیر کرده است، خواه به {فرد} ثروتمند مرتبط باشد خواه به {فرد} متکبر. موک علی (۲۰۰۸) وقتی به این نقل قول از انجیل در قرآن اشاره می‌کند ارتباط میان متنی سامی بین انجیل آرامی و قرآن عربی را در نظر می‌گیرد؛ گرچه او اذعان می‌کند که قرآن در این آیه به کسانی اشاره دارد که متکبران آیات خدا را تکذیب می‌کنند اما انجیل از فردی ثروتمند حکایت می‌کند (صص. ۷۲-۹۸)، باین حال وقتی که این دو منبع را مقایسه می‌کند نمی‌تواند رابطه‌ای بین آنها پیدا کند. از این رو، علی نتیجه می‌گیرد که قرآن از انجیل نقل قول نمی‌کند، بلکه تنها استعاره‌ای مشابه را به کار می‌برد. این گفتار نشان می‌دهد که مسأله لزوماً همین مورد نیست، چرا که بین مرد ثروتمند، که مورد اشاره انجیل‌های یونانی (Plousios) یا انجیل‌های آرامی (tyr) است، و تکذیب‌کنندگان متکبر آیات خداوند در قرآن عربی ارتباطی زبان‌شناختی وجود دارد. از این گذشته، چه بسا قرآن از دیاتسرون تاتیان به‌مثابه نقشه راه استفاده کرده است، هرچند قراین این گزاره هنوز ناقص است.

برخی محققان بر این باورند که منبع قرآنی برای نقل قول انجیل از عبور شتر از سوراخ سوزن می‌تواند ترجمه‌ای عربی یا سریانی از مکتوبات مسیحی یا سنت شفاهی باشد بنگرید به بل ۱۹۳۷، جلد اول، ص. ۱۴۱. همچنین بنگرید به بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۹-۳۵۸؛ البداوی، ۲۰۱۳، ص. ۲۳۶). برای نمونه، بیشپ در تحلیل خود از این متن احتمال می‌دهد که قرآن از سنت سریانی نقل قول می‌کند؛ سنتی که در سراسر عربستان گسترش یافته بود (بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۸). او به‌ویژه معتقد است که دیاتسرون سریانی تاتیان<sup>۲</sup> (۱۸۰ پس از وفات مسیح) می‌تواند منبع قرآنی باشد.<sup>۱</sup> او اظهار می‌کند

---

۱. انجیل آرامی‌ای (Aramaic) که در این گفتار مورد اشاره قرار می‌گیرد پشیتنا (Peshitta) است، مگر اینکه به‌طریقی دیگر در بحث از نسخه قدیمی سریانی (Syriac) و دیاتسرون (Diatessaron) {ترجمه} تاتیان (Tatian) اشاره شود {بنگرید به پانوشت ۱، ص. ۴}.

2. Diatseron Syriac Tatian

که ترجمه عربی این بخش در دیاتسرون تاتیان از عبارت‌پردازی مشابه با قرآن استفاده می‌کند، که با ترجمه‌های شناخته‌شده انجیل‌های عربی متفاوت است (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۶). «سورخ سوزن» در دیاتسرون عربی به «سَمَّ الْخِيَاطِ» ترجمه شده است، که با عبارت‌پردازی قرآن مطابقت دارد، اما با ترجمه‌های عربی انجیل‌ها متفاوت است. نکته‌ای دیگر که بیشپ مورد توجه قرار می‌دهد این است که عبارت «عبور کردن از»، که در قرآن مانند دیاتسرون عربی «يَلِج» است، با ترجمه‌های عربی انجیل‌ها، که نوعاً از واژه<sup>۲</sup> «دخول» یا «مرور» استفاده می‌کنند، تفاوت دارد (بیشپ، ۱۹۴۱: ص. ۳۵۷). بیشپ معتقد است که حتی اگر دیاتسرون تاتیان سده‌ها پس از {حضرت} محمد به عربی ترجمه شده باشد، لزوماً تحت تأثیر عبارت‌پردازی قرآنی قرار نگرفته است، چراکه این عبارت‌پردازی بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها تأثیرگذار نبوده است (بیشپ، ۱۹۴۱، صص. ۳۵۶-۳۵۷). فرضیه او این است که امکان دارد منابع قرآنی از سنت‌های سریانی بوده و به دیاتسرون تاتیان رسیده‌اند (بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۷). اما به نظر من این استدلال نسبتاً ضعیف است.

گویی بیشپ تلویحاً اشاره می‌کند که چون قرآن بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها تأثیرگذار نبوده است نمی‌توانسته ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان را تحت تأثیر قرار دهد (بیشپ، ۱۹۴۱، ص. ۳۵۷-۳۵۸). اما با فرض وجود سنتی شفاهی از دیاتسرون تاتیان، که چه بسا بر عبارت‌پردازی قرآنی تأثیر گذاشته باشد، چرا این سنت به نوبه‌ی خود بر ترجمه‌های عربی انجیل‌ها اثرگذار نبوده است؟ این استدلال می‌تواند از هر دو جهت نتیجه عکس دهد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که واژه «يَلِج» به معنای «عبور کردن» در ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان در بخش مربوط به عبور از سورخ سوزن به جای واژه‌های یونانی *dielthein dia* (متی، باب نوزدهم آیه ۲۴؛ مرقس، باب دهم آیه ۲۵) یا

۱. دیاتسرون انجیلی است که توسط تاتیان گردآوری شد. او در این انجیل تلاش می‌کند تمام چهار انجیل را با یکدیگر هماهنگ کند. این باور وجود دارد که این کتاب اصلاً به زبان سریانی نوشته (۱۶۰-۱۷۵) و سپس سده‌ها پس از درگذشت {حضرت} محمد به عربی ترجمه شده است. ترجمه عربی موجود منسوب به ابوالفرج عبدالله ابن الطیب (متوفی ۱۰۴۳) است.

۲. در متن حاضر، «واژه» غالباً معادل Term است - م.

eiselthein dia (لوقا، باب هجدهم آیه ۲۵) به کار می‌رود، جایی که دیاتسرون عربی می‌گوید «انه سهل الا الجمل ان یلج سم الخیاط من ان یدخول الغنی ملکوت الله» (باب بیست‌ونهم آیه ۲). اما، آنجا که ترجمه عربی دیاتسرون تاتیان از انجیل متی (باب هفتم آیه ۱۳) در خصوص ورود به دروازه تنگ نقل قول می‌کند از واژه «لُجُو» هم برای واژه یونانی eiselthate استفاده می‌کند (باب دهم آیه ۳۲)، حتی اگر عبارت پردازی‌ای مستقیم وجود نداشته باشد که بتواند این بخش را در انجیل و قرآن، که واژه «یَلِج» را به کار می‌برد، پیوند دهد.

عمران البداوی (۲۰۱۴) اشاره می‌کند که احتمالاً متن سریانی مسیحی یا سنت شفاهی دوباره مفصل‌بندی {و بازگویی} شده است، گرچه او به تفاوت بین هشدار انجیل درباره فرد ثروتمند و {انذار} قرآن درباره کسانی که آیات خداوند را متکبرانه نمی‌پذیرند اذعان می‌کند (البداوی، ۲۰۱۴: ص. ۱۸۸). قرآن و ارتباط احتمالی آن با {زبان} سریانی مدت‌ها مورد بحث قرار گرفته است. آرتور جفری (۱۹۳۸) در «واژگان بیگانه قرآن» پرتوی نو بر {فهم ما از} وام‌واژه‌هایی<sup>۱</sup> احتمالی می‌اندازد که قرآن به واسطه محیط اجتماعی مسیحی در عربستان از سریانی وام گرفته است. گونتر لولینگ<sup>۲</sup> (۱۹۷۴) و کریستوف لوکسنبرگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) ریشه‌های سریانی احتمالی قرآن را مطرح کرده‌اند. این گفتار روشن می‌کند که اشاره قرآنی به انجیل‌ها درباره موضوع عبور شتر از سوراخ سوزن احتمالاً معطوف است به دیاتسرون تاتیان یا مبتنی بر آن است، و قرآن بافتار بحث خود را که مشتمل بر مرد ثروتمند است بدون تغییر محتوای موضوع تفسیر می‌کند.

روش چندمعنایی میان‌متنی که در این پژوهش به کار می‌رود در اثر پیشین من که در ارتباط با «قبله» و «شما» بود نیز استفاده شد (گلداری، ۲۰۱۳a، صص. ۱۶۵-۱۶۵).

---

1. Loanword  
2. Gunther Lolling  
3. Christoph Luxenberg

۱۹۴. همچنین بنگرید به گلداری، ۲۰۱۳b، صص. ۳۵-۳۶.<sup>۱</sup> این روشی معناساختی است که در آن کاربرد یکسان یا مشابه با واژه‌ها و معانی بین متون و بافتار احتمالی چه بسا اشاره‌ی {میان‌متنی} باشد. این گفتار ارتباط قرآن با انجیل‌های هم‌نوا را تبیین می‌کند.

### ۱. موارد میان‌متنی

{در اینجا} یازده مورد میان‌متنی در مورد عبور شتر از سوراخ سوزن بین قرآن و انجیل‌ها و شرح کتاب مقدسی آنها را مشخص می‌کنم. بدیهی است که نخستین میان‌متنی تمثیلی یکسان است که {در هر دو متن} به کار رفته است.

واژه یونانی که در آیه‌های ۲۳ و ۲۴ باب نوزدهم انجیل متی، آیه ۲۵ باب دهم انجیل مرقس و آیه ۲۵ باب هجدهم انجیل لوقا به معنای «ثروتمند» به کار می‌رود Plousios یا Plousion است، که به فراوانی و ثروت اشاره می‌کند؛ گرچه ریشه آن به معنای «وفور»، «فزون» یا «فراوانی» است (دکنر، ۲۰۰۰: ص. ۸۳۱). به لحاظ ریشه‌شناختی، واژه یونانی Plousios با Ploutos، که به معنای «ثروت» است، ارتباط دارد (بنگرید به کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد ششم، ص. ۳۱۸). واژه Plousios با Polus، به معنای «پرشدن»، (کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد ششم، ص. ۳۱۹. همچنین بنگرید به دکنر، ۲۰۰۰، ص. ۸۳۲) یا با Polys به معنای «زیاد» در ارتباط است. همچنین، واژه Polys در آیه پیشین انجیل متی (باب نوزدهم آیه ۲۲)، جایی که انجیل خبر می‌دهد که مرد دارایی‌هایی زیاد (Polys) داشت، به کار می‌رود. واژه‌ای که در قرآن معنای «متکبر» را افاده می‌کند «استکبروا» با ریشه‌ی «کبر» است، که به لحاظ ریشه‌شناختی به معنای

---

۱. گلداری معتقد است که قرآن از شیوه اشارت‌گری برای نقل و تفسیر کتاب مقدس استفاده می‌کند. او روش چندمعنایی میان‌متنی (Intertextual Polysemy) را برای بررسی ریشه‌ای کلیدواژه‌ها، فهم معانی مختلف و تک‌واژشناسی (Morphology) آنها و همچنین شناسایی هم‌ریشه‌ها (Cognate) در کتاب مقدس و قرآن به کار می‌برد. از نظر گلداری، وقتی می‌توان از چندمعنایی سخن گفت که یک واژه چندین معنا داشته باشد و این معانی به نحوی با یکدیگر در ارتباط باشند. چندمعنایی به ویژه در مورد زبان‌های سامی حائز اهمیت است، چرا که این زبان‌ها مبتنی بر تک‌واژشناسی ریشه‌محور (مشتقات) هستند. به عبارت دیگر، مشتقات در زبان‌های سامی براساس ریشه معمولاً سه‌حرفی واژه‌ها شکل می‌گیرند و معانی و مفاهیم گوناگون را به ذهن متبادر می‌کنند (برای مطالعه بیشتر بنگرید به گلداری، ۲۰۱۳a - م).

«افزودن» و «بزرگی» است  
 (ابن منظور، ۱۹۹۴: صص. ۱۲۵-۱۳۱). همچنین در زبان آرامی، واژه «کبر» به معنای «بزرگ کردن»، «زیاد کردن» و «فراوانی» است، همان‌طور که واژه سریانی «کبیر» نیز برای افاده معنای «ثروتمندی» و «ثروت» به کار می‌رود (بنگرید به اسمیت، ۱۹۰۲، ص. ۲۰۳). همچنین بنگرید به براون و همکاران، ۲۰۰۰، ص. ۴۶۰، گرچه پشیتتا در این آیه از واژه «تر» به معنای «ثروتمند» استفاده می‌کند، که با واژه عبری و عربی «عشر»<sup>۱</sup> هم‌ریشه است. با وجود اینکه کتاب مقدس عبری واژه Ashr را در معنای «ثروتمند» به کار می‌برد، ریشه واژه Shr معنای «فراوانی» را می‌رساند (در مورد واژه Ashr بنگرید به باتروک و رینگرن، ۱۹۷۷، جلد یازدهم، صص. ۴۱۷-۴۱۸) و واژه عربی «مَعَشَر» به معنای «تعداد زیادی» است (ابن منظور، ۱۹۹۴: ص. ۴۵۷). بنابراین، تعریف ریشه Shr به Plousios هم شباهت دارد، و معنای «فراوانی» را که در «کبر» است در برمی‌گیرد.  
 هنجارشکنی‌های تک‌واژی<sup>۲</sup> Plousios گاهی توسط {کتاب مقدس} هفتادگانی<sup>۳</sup> در خصوص «خودسری» (یا شاید تکبر) به کار می‌رود. هفتادگانی عبارت she'on 'aluzim hadal (هیاهوی سرمست بازایستاد) در آیه ۸ باب بیست‌وچهارم کتاب اشعیا را به pepautai authadia kai ploutos asebon (بازایستاد خودسری لجوج و {بازایستادند} ثروتمندان بی‌دین {=بی‌اعتنا به مقدسات}) ترجمه کرده است. فرضیه‌های زیادی در مورد ریشه‌شناسی واژه عبری Aliz به معنای «مغرور بودن» وجود دارد؛ یکی از این فرضیه‌ها هم‌ریشه عربی «غلیظ» به معنای «پر نخوت بودن» {=به طعنه: مغرور بودن} را مطرح می‌کند (در مورد Zl بنگرید به باتروک و رینگرن، ۱۹۷۷، جلد اول، صص. ۲۹۲-۲۹۳). گرچه {نکته اخیر} نامحتمل است، ظاهراً مترجمان هفتادگانی «هیاهوی سرمست» را هیاهوی افرادی فهمیده‌اند که هم‌سو با ثروتمندان متکبر هستند. به‌طور مشابه، هفتادگانی از Plousioi در آیه ۱۴ باب پنجم کتاب اشعیا برای کسانی استفاده

1. Ashr

1. Morphological Derivation

۳. براساس روایت‌های موجود، وجه تسمیه هفتادگانی (Septuagint) هفتاد نفری است که کتاب مقدس را در سده سوم میلادی از عبری به یونانی ترجمه کردند - م.



می‌کند که she'onahwa-'aliz هستند (کسانی) که [شعول] خود را خوش‌گذرانی و شادی می‌کنند).

واژه کتاب مقدس عبری که نوعاً برای «بزرگی»، نظیر «کبر» عربی، به کار می‌رود Gdl است. در آیه ۴ باب اول کتاب استر،<sup>۱</sup> هفتادگانی واژه Gedolat را برای «بزرگی» به Ploutou ترجمه می‌کند. چون که متن از ثروتمندان با واژه عبری Osher صحبت می‌کند، می‌توان فرض کرد که به Ploutos هم ترجمه می‌شود، و بزرگی‌ای که در این متن خاص مورد اشاره قرار می‌گیرد بزرگی ثروت است. اما هفتادگانی همچنین Gedulat را در آیه ۲ باب دهم کتاب استر به<sup>۲</sup> Plouton ترجمه می‌کند، گرچه که بافتار چنین فهمی را ایجاب نمی‌کند. با این وجود، باید اشاره شود که در این متن، فردی که Gedulat (Plouton) در نظر گرفته می‌شود مردخای<sup>۳</sup> است، و مترجمان در این مورد واژه Plouton را به معنای دقیق کلمه «متکبر» تلقی نکردند.

حتی اگر واژه کبر به معنای «بزرگی» و «فراوانی» باشد، واژه نوعی برای «فرد ثروتمند» در عبری «غنی» است، که می‌توان آن را به یونانی Plousios، و در نتیجه «ثروتمند» در نظر گرفت. در همین مورد، جالب است که قرآن در برخی آیه‌هایی که در امتداد استعاره شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند می‌آیند (اعراف: ۴۸)، بازی با کلماتی تک‌واژی را در مورد واژه‌های «غنی» و «کبر» به کار می‌برد، و با این اوصاف دومین نکته میان‌متنی است. اما در آیه ۴۸ سوره اعراف از واژه‌های «ما اُغْنی» که به معنای «سود نبخشیدن» است<sup>۴</sup> استفاده می‌شود، که همان ریشه مشترک «غنی» را دارد. همان‌طور که ظاهراً رابطه‌ای میان‌متنی بین آیه ۴۰ و ۴۸ سوره اعراف امکان‌پذیر است، چه بسا این پرسش مطرح شود که واژه «اسْتَكْبَرُوا» یا «تَسْتَكْبِرُونَ» هم می‌تواند اشاره‌ای به «غنی»، که به معنای «شخص ثروتمند» است، باشد. واژه قرآنی «ما اُغْنی» می‌تواند معنای «توانگر نمی‌کند» را نیز داشته باشد. به این ترتیب آیه ۴۸ سوره اعراف را می‌توان

۱. استر (Esther) عنوان کتابی در بخش سوم عهد عتیق است - م.

۲. ثروتمندان

1. Mordecai

۴. فولادوند «ما اُغْنی» را «سود نداشتن» ترجمه کرده است - م.

این‌طور ترجمه کرد: «جمعیت شما و آنچه با آن خود را توانگر می‌کردید (تَسْتَكْبِرُونَ)، شما را توانگر نمی‌کند (ما أَغْنَى)». <sup>۱</sup> آیه قرآنی موردنظر غالباً به‌قرار زیر ترجمه و استنباط می‌شود:

و اهل اعراف مردانی را که آنان را از سیمای‌شان می‌شناسند ندا می‌دهند  
[و] می‌گویند «نه جمع‌آوری‌تان شما را سود بخشیده است [شما را  
توانگر کرده است] (ما أَغْنَى)، نه تکبر افزاینده‌تان [خود را توانگر  
می‌کردید] (تَسْتَكْبِرُونَ). <sup>۲</sup> (اعراف: ۴۸).

سومین مورد میان‌متنیت<sup>۳</sup> بین پرسش مرد ثروتمند در انجیل‌ها و قرآن شاید حضور واژه «جاودانه» باشد (متی، باب نوزدهم آیه‌های ۱۶ و ۲۹؛ مرقس، باب دهم آیه ۱۷، لوقا، باب هجدهم آیه‌های ۱۸ و ۲۹)؛ در یونانی Aionion {معادل} زندگی جاودانه است. واژه‌ی یونانی Aionion با واژه‌ی عربی «خالدون» قابل‌مقایسه است، که به‌معنای «جاودانه» نیز است (ابن منظور، ۱۹۹۴: ص. ۱۶۴-۱۶۵). در هر انجیل، جایی که به استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن اشاره می‌شود، واژه «جاودانه» دومرتبه در بافتاری مشابه به‌کار می‌رود. در قرآن، واژه «خالدون» {به‌عنوان معادلی} برای «جاودانه» هم دومرتبه در بافتار استعاره شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند تکرار می‌شود (سوره اعراف: آیات ۳۶ و ۴۲).

چهارمین مورد میان‌متنیت در پرسش مرد ثروتمند و بافتار این بخش، واژه {معادل} «میراث‌بری» است. مرد ثروتمند از عیسی می‌پرسد که چه کند تا زندگی جاودانه را به‌میراث برد، که هم انجیل مرقس و هم انجیل لوقا (مرقس، باب دهم آیه

---

۱. ترجمه آیه در این پاراگراف براساس ترجمه انگلیسی گلداری و از مترجم فارسی است. تأکیدهای داخل پرانتز ( ) از گلداری است - م.

۲. شاید منظور توانگر کردن نفس‌پرستی {ego} فرد باشد (یعنی تکبر).

۳. ترجمه خارج گیومه «» از فولادوند است. ترجمه داخل گیومه از مترجم فارسی و مبتنی بر ترجمه انگلیسی‌ای است که نویسنده به‌کار برده است. تأکیدها در کروشه [ ] و پرانتز ( ) از نویسنده است؛ جز در مواردی که فولادوند پیش از گیومه واژه‌ای را داخل کروشه قرار داده است. واژه Waxing، که در متن «افزاینده» ترجمه شده است، در اینجا ظاهراً به‌معنای «کامل‌شدن (یا افزایش) تدریجی» است - م.

۱۷؛ لوقا، باب هجدهم آیه ۱۸) از واژه یونانی Kleronomeso یا واژه آرامی Irt برای «به میراث بردن» استفاده می‌کنند. گرچه این واژه بخشی از پرسش مرد ثروتمند در انجیل متی نیست، وقتی کسانی را توصیف می‌کند که زندگی جاودانه را به میراث خواهند برد، واژه «به میراث بردن» (Klērōnomesei/Nirat) در همان بافتار (پرسش مرد ثروتمند) به کار می‌رود (متی، باب نوزدهم آیه ۲۹). هفتادگانی در برخی موارد برای ترجمه واژه عبری Yrsh از گونه‌های تکوازشناختی واژه Kleronomeo استفاده می‌کند، که با Irt آرامی و «یرث» عربی به معنای «به میراث بردن» هم‌ریشه است (به عنوان مثال، کتاب مزامیر {یا زبور داوود}، باب سی و هفتم آیه ۲۹). در متن قرآنی، پس از بیان اینکه کسانی که در برابر آیات خداوند متکبرند (استکبروا) وارد بهشت نمی‌شوند {مگر} وقتی که شتر از سوراخ سوزن عبور کند، می‌گوید که بهشت را کسانی به میراث می‌برند (أورثتموها) که شایسته هستند (سوره اعراف: آیه ۴۳).

در پنجمین مورد میان‌متنیت، قرآن یاد می‌کند که دروازه‌های بهشت «السَّمَاء» به روی کسانی که آیات خداوند را متکبرانه تکذیب می‌کنند گشوده نمی‌شود {مگر} اینکه شتر از سوراخ سوزن عبور کند (سوره اعراف: آیه ۴۰). تمایزگذاری بین واژه‌های قرآنی برای بهشت، یعنی «جنت» به معنای «باغ مخفی»، و «السَّمَاء» به معنای «آسمان» (بهشت)، حائز اهمیت است. برای نقل این گفته عیسی که ورود به قلمرو بهشت برای مرد ثروتمند دشوار است، انجیل متی از واژه یونانی Ouranos یا واژه آرامی Shmaya استفاده می‌کند (باب نوزدهم آیه ۲۳)، که با واژه عربی «السَّمَاء» که در قرآن به کار می‌رود قابل‌مقایسه است.<sup>۱</sup> دیاتسرون تاتیان هم در این روایت از تفسیر متی استفاده می‌کند. قضاوت اینکه قرآن دقیقاً از دیاتسرون تاتیان یا انجیل متی استفاده می‌کند یا

۱. این مسأله می‌تواند حاکی از همه‌پسندی انجیل متی بین مسیحیان عرب باشد، چرا که سایر انجیل‌های هم‌نوا در این بخش به جای «قلمرو بهشت» (آسمان) از «قلمرو خداوند» استفاده می‌کنند. این موضوع از سوی بیشپ (۱۹۴۱) هم مطرح شده است که شاید انجیل متی در میان مسیحیان عرب نسبت به سایر انجیل‌ها همه‌پسندتر بوده است (ص. ۳۵۴)؛ همچنین بنگرید به البداوی، ۲۰۱۴: ۷-۸. این احتمال وجود دارد که چون انجیل متی احتمالاً در ابتدا به زبان آرامی نوشته شده بود، {به سبب نزدیکی زبان سریانی و آرامی} در کلیساهای سریانی آغازین قابل‌فهم‌تر بوده است، و عاقبت از طریق آنها به مسیحیان عرب رسیده است.

خیر به معنای دقیق کلمه دشوار است، چراکه سایر انجیل‌ها به جای «بهشت» از «قلمرو خداوند» یاد می‌کنند.

انجیل لوقا مثل احمق ثروتمند (باب دوازدهم آیه ۱۳-۳۴) را حکایت می‌کند.<sup>۱</sup> در انجیل‌های هم‌نوا چندین مورد میان‌متنیت بین این مثل و {حکایت} مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید وجود دارد. مثل احمق ثروتمند درست پیش از روایت تاتیان درباره‌ی عبور شتر از سوراخ سوزن در دیاتسرون می‌آید (باب بیست‌وهشتم آیه‌های ۳۳-۴۱). {در اینجا} نخستین مورد میان‌متنیت این است که در هر دو نمونه {محمور داستان} مردی ثروتمند است. دومین مورد این است که مرد ثروتمند در پی «به میراث بردن» زندگی جاودانه است، درحالی‌که در مثل احمق ثروتمند، محتوای موضوع «میراث‌بری» در جهان مادی است (لوقا، باب دوازدهم آیه‌های ۱۳-۲۴). سومین مورد این است که از مرد ثروتمند که زندگی جاودانه را می‌جوید خواسته می‌شود که همه دارایی‌های خود را بفروشد و به فقرا بدهد تا از گنجینه‌ای که در بهشت است برخوردار شود؛ در مثل احمق ثروتمند برای برخورداری از گنجینه‌ای که در بهشت است همان خواسته مطرح می‌شود (لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۳). برقراری ارتباطی بین مثل احمق ثروتمند و بخش مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید مهم است، زیرا انجیل در بافتار مثل احمق ثروتمند گفته عیسی را که هیچ‌کس نمی‌تواند حتی یک ساعت به زندگی خویش بیافزاید نقل می‌کند (لوقا، باب دوازدهم آیه ۲۵)، پس نباید نگران یا اندیشناک {مضطرب} بود. انجیل می‌گوید مردمی که بهشت نصیب‌شان خواهد شد نباید بترسند (لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۲). آیه ۴۰ باب دوازدهم لوقا ادامه می‌دهد که عیسی می‌گفت انسان باید برای آمدن آن ساعت آماده باشد.

به‌طور مشابه، در آیه‌هایی که پیش از آیه عبور شتر از سوراخ سوزن در قرآن می‌آیند، گفته می‌شود که وقتی آن زمان فرارسد، قومی قادر نیست ساعتی اضافی بر مدت آن بیافزاید (سوره اعراف: آیه ۳۴)، و کسانی که احسان می‌کنند و بهشت

۱. معادل دقیق واژه انگلیسی Fool و واژه آرامی Moros (متی، باب پنجم آیه ۲۲) در فارسی «احمق» است. آیه

۲۰ باب دوازدهم انجیل لوقا از واژه یونانی Aphron استفاده می‌کند که واژه‌ای نزدیک به «احمق» است. در

اینجا، به پیروی از گلداری، معادل فارسی «احمق» به کار می‌رود - م.

نصیب‌شان می‌شود نه می‌ترسند و نه اندوهگین می‌شوند (سوره اعراف: آیات ۳۵ و ۴۹). این‌ها به ترتیب ششمین و هفتمین مورد میان‌متنیت هستند. افزون بر این، واژه‌ای که در مثل احمق ثروتمند برای «احمق» به کار می‌رود واژه یونانی Aphron است، که با Aphrona ارتباط دارد، و به معنای «تکبر»، «نخوت»، «جهل»، «مکر» و «گناهکاری» نیز است (بنگرید به کیتل و همکاران، ۱۹۶۴، جلد نهم، صص. ۲۲۱، ۲۳۴-۲۳۵). همچنین بنگرید به دنکر، ۲۰۰۰، ص. ۱۵۹). این معنا میان‌متنیت دیگری را بین واژه‌های «ثروتمندبودن» و «متکبربودن» تصریح می‌کند که در عربی در برداشت چندمعنا از «استکبار» ترکیب می‌شوند. این هشتمین مورد میان‌متنیت بین قرآن و روایت انجیل از مرد ثروتمندی است که زندگی جاودانه را می‌جوید. وانگهی، حتی واژه آرامی Khsyr, ra 'na برای «احمق» می‌تواند میان‌متنیت با قرآن را، که واژه‌های «خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (سوره اعراف: آیات ۹ و ۵۳) و «الْخَاسِرِينَ» (سوره اعراف: آیه ۲۳) را در بافتار عبور شتر از سوراخ سوزن به کار می‌برد، تصریح کند. دقیقاً همان‌طوری که گویی گرایش به مادیات این جهان در بخش مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید نکوهیده می‌شود، در مثل احمق ثروتمند نیز چنین است.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد قرآن زندگی دنیوی را در بافتاری مشابه با استعاره‌ی عبور شتر از سوراخ سوزن نکوهش می‌کند (اعراف: ۵۱). شاید پیام انجیل علیه ثروت دنیوی را کلاً به‌مثابه نکوهش زندگی دنیوی تفسیر می‌کند، و این احتمالاً نهمین مورد میان‌متنیت است. همچنین جالب است که در آیه‌هایی که به دنبال عبور شتر از سوراخ سوزن در قرآن می‌آیند، بحث برخی پیامبران پیشین، و تکبر (یا ثروتمندی) (اسْتَكْبَرُوا) عده‌ای در قوم آنها است (اعراف: ۷۵-۷۶ و ۸۸). یکی از این داستان‌ها حکایت هود است. قرآن بیان می‌کند که قوم هود به او نسبت حماقت می‌دانند (سَفَاهَه؛ اعراف: ۶۶)، اما هود آن را انکار می‌کرد (اعراف: ۶۷). اگر میان‌متنیت با داستان احمق ثروتمند در انجیل لوقا را در ذهن داشته باشیم، چه‌بسا این بخش نشان‌دهنده تفسیری است که قرآن سعی در بیان آن دارد. در مثل احمق ثروتمند، احمق کسی است که ثروت‌های این زندگی {دنیوی} و نه زندگی بعد {اخروی} را می‌اندوزد، و

۱. در انجیل‌های هم‌نوا ضدیتی عام علیه ثروت وجود دارد و به‌ویژه در انجیل لوقا چنین است. بنگرید به اشمیت،

به‌همین نحو به‌نظر می‌رسد که در توصیف قرآن {در اصل} کسانی که در این زندگی ثروت‌اندوزی می‌کنند، چنانچه از قوم هود مثل می‌زند (اعراف: ۶۹)، احمق‌اند و نه هود. به‌طوری مشابه، وقتی قرآن در آیه ۸۹ سوره اعراف داستان شعیب را روایت می‌کند، نشان می‌دهد که چگونه شعیب از خداوند می‌خواهد که بین باورمندان و متکبران قوم او (اسْتَكْبِرُوا) گشایشی ایجاد کند (اعراف: ۸۸)، چراکه خداوند بهترین گشایندگان است، که این گشایش نظیر گشودن دروازه‌های بهشت است که پیش‌ازین روایت شد.<sup>۱</sup> افراد متکبر ادعا می‌کنند که اگر از شعیب پیروی کنند متضرر {=زیانکار} خواهند بود (خاسِرُونَ) (سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۹۰). قرآن بعدازآن می‌گوید کسانی که از شعیب پیروی نکردند انگار که در خانه‌های خود توانگر نیستند (يَعْنُونَ)، و آنها {همان} کسانی هستند که متضررند {=زیانکارند} (الخاسِرِينَ).<sup>۲</sup> داستان شعیب در این بخش‌ها با استفاده از واژگانی ویژه {تلویحاً} دوباره به مثل عبور شتر از سوراخ سوزن اشاره می‌کند: «گشایش»، «متکبر»، «تکذیب‌کنندگان» (كذَّبُوا)، «توانگر» (غنی)، و «متضرران» {=زیانکاران}.

باین‌همه مورد میان‌متنی دیگری بین انجیل‌ها و قرآن وجود دارد، که مربوط به مثل احمق ثروتمند است. متعاقب این مثل، آیه ۳۵-۴۸ باب ۱۲ انجیل لوقا می‌گوید که چگونه عیسی از حواریون خواست تا در خانه هشیار {و آماده‌ی بازگشت مسیح} باشند. به‌نظر می‌رسد مثلی که در این بخش‌ها می‌آید در ارتباط با مثل ده باکره<sup>۳</sup> در آیه‌های

۱. آیه ۸۹ سوره اعراف: «قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يُشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبُّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ». تمامی ترجمه‌های فارسی رایج (فولادوند، مکارم‌شیرازی، خرمشاهی، انصاریان و قمشاهی) عبارت «رَبُّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» را «پروردگارا میان ما و قوم ما به حق دآوری کن که تو بهترین داورانی» ترجمه کرده‌اند. گلداری در این متن معادل انگلیسی Open را برای «افتح» به‌کار می‌برد که در فارسی برابر «گشودن» است. همچنین، به‌نظر می‌رسد که ارجاع گلداری به آیه ۸۸ سوره اعراف برای تبیین بیشتر روایت باشد - م.

۲. اشاره به آیه ۹۱ سوره اعراف است: «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ» (پس زمین‌لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه‌های‌شان از پا درآمدند) - م.

۱-۱۵ باب بیست و پنجم انجیل متی است، چنان‌که در هر دو مورد پیامی که منتقل می‌شود هشیار بودن و به‌خواب درنیافتادن است، زیرا ارباب (یا داماد) چه‌بسا هر لحظه {از راه} فرارسد. در هر دو مثل، واژه یونانی ضیافت عروسی<sup>۱</sup> به‌کار می‌رود (متی، باب بیست و پنجم، آیه ۱۰؛ لوقا، باب دوازدهم آیه‌ی ۳۶). وانگهی، در هر دو مثل پیام روشن‌نگه‌داشتن چراغ‌ها منتقل می‌شود (متی، باب بیست و پنجم آیه‌های ۱-۱۰؛ لوقا، باب دوازدهم آیه ۳۵). مثل ده باکره درباره کسانی که احمق هستند نیز صحبت می‌کند. مطابق با این مثل‌ها، و حتی مطابق با مثل احمق ثروتمند، دلیل هشیار بودن و بیدار بودن این است که ساعت {فرارسیدن} نامعلوم است و ارباب (یا داماد) می‌تواند هر لحظه {از راه} فرارسد. این درون‌مایه به سایر بخش‌های انجیل‌ها نیز ارتباط دارد، {یعنی} درجایی که نشانه‌های پایان روزگار توصیف می‌شوند ساعت {فرارسیدن آن} مشخص نیست، و مردم باید گوش‌به‌زنگ باشند و به‌خواب نروند، زیرا نمی‌دانند ارباب چه وقت بازمی‌گردد (متی، باب بیست و چهارم آیه‌های ۳۶-۴۴؛ لوقا، باب سیزدهم آیه‌های ۳۲-۳۷). به‌عنوان دهمین مورد میان‌متنیت، به‌طور مشابه آیه‌های قرآنی‌ای که در امتداد استعاره‌ی شتری که از سوراخ سوزن عبور می‌کند پیش می‌روند پیامی {حاکمی} از هشیار و بیدار بودن منتقل می‌کنند، زیرا ساعت {فرارسیدن قیامت} نامعلوم است:

آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان درحالی‌که به خواب فرورفته‌اند به آنان برسد (۹۷) و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیم‌روز درحالی‌که به بازی سرگرمند به ایشان دررسد (۹۸) آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند [باآنکه] جز مردم زیانکار (الْخَاسِرُونَ) [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند (۹۹) مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به‌ارث می‌برند (یَرْتُونَ) باز ننموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به [کیفر] گناهان‌شان

می‌رساندیم و بر دل‌های‌شان مهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند (۱۰۰)  
(اعراف<sup>۱</sup>).

به‌نظر می‌رسد این آیه‌های قرآنی کسانی را که زمین را به میراث می‌برند (یَرِثُونَ) از دیگرانی که پیش‌ازاین درباره آنها صحبت کرده بود، {یعنی کسانی} که بهشت را به میراث می‌برند، متمایز می‌کند. در آیه بعدی همین سوره در قرآن، تأکید می‌شود که ساعت {فرارسیدن قیامت} حتی برای پیامبر نامعلوم است (اعراف: ۱۸۷)، که مشابه همان برداشتی است که از سوی انجیل‌ها تصریح می‌شود که حتی پسر<sup>۲</sup> هم ساعت {فرارسیدن آن} را نمی‌داند (متی، باب بیست‌و‌چهارم آیه‌های ۳۶-۴۴؛ مرقس، باب سیزدهم آیه‌های ۳۲-۳۷) (البدآوری، ۲۰۱۴: ص. ۲۳۶). بر اساس این میان‌متنیت‌ها، شاید تفسیر آیه‌هایی از قرآن که درباره بستن دروازه‌های بهشت صحبت و تصدیق می‌کند کسانی که در برابر آیات خداوند متکبرند (استکبرُوا) وارد بهشت نمی‌شوند {مگر} وقتی که شتر از سوراخ سوزن عبور کند، به‌عنوان اشاره‌ای متنی به پیامی که در انجیل‌ها تصریح می‌شود، مناسب به‌نظر رسد. از این‌رو، شناخت نحوه ترجمه واژه‌ی «استکبرُوا» در قرآن این نوع اشاره‌ی متنی را، که نشان‌دهنده چگونگی تفسیر این مثل در قرآن است، آشکار می‌کند.

یازدهمین مورد میان‌متنیت آیه ۹۹-۱۰۰ سوره اعراف در قرآن است، که درباره احمق‌هایی (خاسبروُن) صحبت می‌کند که میراث‌شان را همانند مثل احمق ثروتمند از دست می‌دهند. در آیه ۲۰ باب دوازدهم انجیل لوقا، راوی نشان می‌دهد که احمق ثروتمند چه‌بسا روح خود را از دست بدهد. احتمالاً واژه‌ی «خاسبروُن» در آیه ۹۹ سوره اعراف نیز به کسانی اشاره می‌کند که روح خود را از دست می‌دهند، چراکه قرآن در همان سوره به‌وضوح درباره این مضمون سخن می‌گوید (خاسبروُن انفسِهِمْ؛ سوره‌ی اعراف، آیه‌های ۹ و ۵۳)، و به‌کرات نافرمانان و تکذیب‌کنندگان را به‌عنوان کسانی که

۱. تأکید «پیشین» که در کروشه [ ] است هم از گلداری و هم از فولادوند است. در سایر موارد بنگرید به پانوش ۲ ص. ۱۰ - م.

۲. اشاره به عیسی مسیح (the Son) - م.



از دست‌رفته {=زیانکار} هستند توصیف می‌کند (خاسیروُن؛ اعراف: ۲۳، ۹۲، ۹۹، ۱۴۹، و ۱۷۸). برای مثال، قرآن در آیه ۹۲ سوره اعراف {نوعی} بازی با کلمات با واژه‌ای که ریشه در «غنی» دارد به کار می‌برد تا نشان دهد که کافران هستند که توانگر (يَعْنُونَ) نیستند، و از این رو کسانی هستند که ضرر کرده‌اند {=زیانکاران بوده‌اند} (خاسیرین). آیه‌های ۹۴-۱۰۲ سوره اعراف در مسیری مشابه پیش می‌روند. آیه‌های ۹۵-۹۸ سوره اعراف از آن هنگام حکایت می‌کند که ناگاه فرامی‌رسد، وقتی که هیچ‌کس آن را در نمی‌یابد یا در آن هنگام که در خواب یا {سرگرم} بازی هستند، مانند ساعتی که پیش‌تر شباهت‌های آن با آیه‌های ۳۵-۴۸ باب دوازدهم انجیل لوقا تبیین شد. همچنین اگر مردم تکذیب نکنند (كَذِبُوا)، دروازه‌های بهشت به روی‌شان گشوده خواهد شد (اعراف: ۹۶)، حال آنکه هیچ‌کس از برنامه خداوند {=مَكْرَ اللّٰه} احساس امنیت نمی‌کند، جز متضرران {=زیانکاران} (الخاسیروُن؛ اعراف: ۹۹). این هشدارها {=عبرت‌ها} به کسانی داده می‌شود که زمین را از ساکنان پیشین آن به میراث می‌برند (يَرِثُونَ) (اعراف: ۱۰۰). این ایده ظاهراً نشان می‌دهد که قرآن درباره مفاهیم بنیادین مثل احمق ثروتمند در این بخش‌های انجیل لوقا صحبت می‌کند، که براساس آن نمی‌توان ترتیبی برای میراث‌بری این جهانی داد.

قرآن با داستان موسی ادامه می‌دهد، که در آن مضمون میراث‌بری در آیه‌های ۱۲۸-۱۲۹ سوره اعراف مطرح می‌شود. اما، در اینجا چون فرعون و قوم او در مقابل آیات خداوند همچنان متکبر بودند (اسْتَكْبَرُوا) (اعراف: ۱۳۳) و آنها را تکذیب می‌کردند (كَذَّبُوا) (اعراف: ۱۳۶)، زمین در عوض میراث (أورثنا) تسلیم‌شدگان {در برابر فرمان خداوند} {=مستضعفین} بود (اعراف: ۱۳۷).

اگر قرآن به توصیف انجیل‌ها از {فرد} ثروتمند به‌مثابه استعاره‌ای برای کسانی که در مقابل آیات خداوند متکبر هستند اشاره کند، به‌ویژه با توجه به احتمالات چندمعنای Plousios و «کبر»، آنگاه نکوهش {فرد} ثروتمند در انجیل‌ها ناظر بر اشاره‌ای احتمالی به آیه‌های ۱۸-۱۹ باب سی‌ویکم مزامیر است. در روایت‌های افراد ثروتمند و مثل احمق ثروتمند، که پیش‌تر مطرح شدند، چند کلیدواژه و عبارت وجود دارد که ذکر می‌شود: «فراوانی»، «چیزهای خوب» و «اندوختن ثروت». مفاهیمی مشابه در آیه‌های

۱۸-۱۹ باب سی و یکم مزامیر دیده می‌شود، جایی که خداوند است که «فراوانی نیکی» را برای افراد پرهیزکار می‌اندوزد؛ این در بافتار نکوهش افراد ثروتمند نیست، بلکه نکوهش تکبر در کسانی است که تکذیب می‌کنند و علیه افراد پرهیزکار مغرورانه سخن می‌گویند. در نتیجه، به نظر می‌رسد قرآن استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن را در چنین بافتاری مطرح می‌کند.

## ۲. شتر و سوزن

چنان‌که گذشت، واژه یونانی Plousios {معادلی} برای «ثروتمند»، یا برای کسی که دارایی‌های فراوان دارد، در قرآن با واژه عربی «استکبار» ترجمه شده است. هر دو واژه در زبان‌های خاص خود چندمعنا هستند و می‌توانند معانی دوگانه‌ی «فراوانی» و «توانگری» را افاده کنند. اشاره به این نکته مهم است که سوره قرآنی‌ای که این آیه‌های مورد بحث در آن وجود دارند بایبان این مطلب آغاز می‌شود که گناه شیطان غرور و تکبر بود، و ریشه واژه‌ی تکبر «کبر» است (اعراف: ۱۳). به گفته قرآن، گناه شیطان نفس پرستی بزرگ (کِبَر) است. این مسئله درکی از سبک انجیل‌ها و قرآن را در اختیار ما قرار می‌دهد. شاید این گفته، که در آن هر دو واژه یونانی Plousios و عربی «کِبَر» به معنای «فراوانی» و «وفور»، و همچنین «ثروتمندی» دیده می‌شود، این پیام را منتقل می‌کند که کسانی که نفس پرستی بزرگ (کِبَر) دارند آن قدر بزرگ (کبیر) هستند که در واقع عبور شتری از سوراخ سوزن از عبور آنها آسان‌تر است، زیرا نفس پرستی آنها بزرگ‌تر از شتر است. نفس پرستی‌ای که بزرگ‌تر از شتر است، تا آنجایی که نمی‌تواند از سوراخ سوزن وارد شود، نکته‌ای است که از سوی صوفی امام احمد بن عمر به عنوان تفسیری نمادین برای این آیه‌های قرآن در کتاب التأویلات النجمیه فی التفسیر الاشاره الصوفی مطرح شد.

با بررسی دقیق واژه‌ای که در قرآن به کار می‌رود، ظاهراً محتمل‌ترین {حالت} این است که با استفاده از ترجمه‌ای واژگانی<sup>۱</sup> از آنچه احتمالاً مضمون چندمعنای واقعی و

موردنظر تعبیر می‌شود، از انجیل‌ها نقل قول (یا به آنها اشاره) شده است. به‌نظر می‌رسد قرآن این مثل را تفسیر می‌کند، چنان‌که می‌گوید نه‌تنها افرادی که دارای ثروت فراوان هستند، بلکه (و به‌ویژه) کسانی که نفس‌پرستی بزرگ دارند نیز (یعنی تکبر) ورود به قلمرو بهشت را دشوار خواهند یافت.

آبراهام گایگر (۲۰۱۲) معتقد است که ظاهراً ریشه به‌کارگیری استعاره عبور شتر از سوراخ سوزن از تلمود بابلی<sup>۱</sup> است، که می‌گوید انسان رؤیای چیزهایی که غیرممکن هستند را نخواهد دید (صص. ۵۲-۵۳). تلمود بابلی مثال‌هایی از این مفهوم را ارائه می‌دهد، از جمله:

معلم گفت، «چه‌بسا آگاه باشید که چنین است، بر مردمان در رؤیاهای [چنین ناشدنی‌هایی چون] نخلی زرین یا پیلی که از چشمی سوزنی می‌گذرد هویدا نمی‌شود».<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

بر طبق یافته‌هایی که در این گفتار مورد تأکید قرار گرفتند، به‌نظر می‌رسد که بافتار کاربرد قرآنی عبور شتر از سوراخ سوزن تفسیری از روایت مشابه در انجیل‌ها، و به‌نحوی قابل‌ملاحظه‌تر دیاتسرون تاتیان است. گرچه پیش‌ازاین برخی محققان براساس استدلال‌هایی ضعیف از عبارت‌پردازی مشابه بین دیاتسرون عربی پساقرائی و قرآن به نتیجه‌ای مشابه رسیده‌اند، بعید است به این دلیل باشد. دلیلی بهتر برای اینکه آیه‌های قرآنی بر پایه دیاتسرون تاتیان هستند، ارتباط درهم‌تنیده‌ی آن با بخش‌های مختلف انجیل‌ها است که {داستان فرد} ثروتمند را دربرمی‌گیرند، و دیاتسرون تاتیان آنها را به‌هم دوخته است (دیاتسرون: ۲۸-۲۹)؛ این به‌ویژه به مثل احمق ثروتمند و حکایت مرد ثروتمندی که زندگی جاودانه را می‌جوید مرتبط است.

در اینجا یازده مورد میان‌متنیت شناسایی شده است (برخی ضعیف‌تر از دیگران)، گرچه ظاهراً بافتارهایی متفاوت دارند که افراد ثروتمند در انجیل‌ها و تکذیب‌کنندگان متکبر در برابر آیات خداوند در قرآن را {به یکدیگر} مربوط می‌کنند؛ به‌اختصار

2. Babylonian Talmud

3. The Babylonian Talmud, Berakhot 55b.

عبارتنداز: ۱) تمثیل عبور شتر از سوراخ سوزن؛ ۲) بازی با کلمات تکواژی در آیه قرآنی بین «غنی» (ثروتمندی) و «کبر» (تکبر)؛ ۳) شباهت در مفهوم زندگی جاودانه؛ ۴) شباهت در مفهوم میراث‌بری؛ ۵) کاربرد مشابه واژه بهشت (السَّمَاء)، نظیر روایت متی و دیاتسرون تاتیان؛ ۶) این ایده، در بافتار مثل احمق ثروتمند، که انسان نمی‌تواند حتی یک ساعت به زندگی خود بیافزاید، که مشابه بیان قرآن است که هیچ قومی قادر نخواهد بود یک ساعت (به زمانه‌ی خود) بیافزاید؛ ۷) اینکه کسانی که به بهشت می‌روند نباید بترسند، همان‌طور که در قرآن و در بافتار مثل احمق ثروتمند وصف می‌شود؛ ۸) اینکه احمق توصیف‌شده در انجیل لوقا Aphrōn است، که می‌تواند به معنای «متکبر» و «مغرور» نیز باشد، نظیر «کبر» قرآنی؛ ۹) نکوهش همه‌جانبه ثروت دنیوی در این نمونه‌ها در قرآن و انجیل‌ها (به‌ویژه در دیاتسرون تاتیان، که مثل‌های افراد ثروتمند و مرد ثروتمندی که از عیسی درباره‌ی زندگی جاودانه می‌پرسد را مطرح می‌کند)؛ ۱۰) اینکه درخواست از مردم برای هشیاربودن در آیه قرآنی شبیه پیام مشابه در مثل احمق ثروتمند است، که به‌خودی‌خود همانند مثل ده باکره است؛ و ۱۱) اینکه توصیف قرآنی از کسانی که میراث‌شان و روح‌شان را از دست داده‌اند به توصیف احمق ثروتمند شباهت دارد.

قرآن در مورد عبور شتر از سوراخ سوزن نه‌تنها از تمثیلی مشابه {تمثیل} انجیل‌ها استفاده می‌کند، بلکه به‌نظر می‌رسد آن را به‌خدمت می‌گیرد و پیام انجیل در این بافتار را تفسیر می‌کند. قرآن افراد ثروتمندی را که ورود به قلمرو بهشت برای آنها دشوار است به‌عنوان کسانی تفسیر می‌کند که آیات خداوند را متکبرانانه «استکبروا» تکذیب می‌کنند. مردان ثروتمندی که در انجیل‌ها نکوهش می‌شوند ظاهراً در قرآن به‌مثابه استعاره‌ای برای غرور و افرادی متکبر که آیات خداوند را نمی‌پذیرند تفسیر می‌شوند. شاید قرآن پیام انجیل‌ها را نه‌تنها در مقام صحبت از افراد ثروتمند، بلکه از هرکسی که متکبر است، و از نفس‌پرستی‌ای بزرگ‌تر از شتر برخوردار است - چنان بزرگ (کبیر) که در واقع عبور شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر از ورود آنها به قلمرو بهشت است، تفسیر می‌کند. سوره‌ی الاعراف در قرآن به‌کرات «استکبار» را نکوهش می‌کند، و با این

گفته آغاز می‌شود که «استکبار» گناه اصلی شیطان است. قاعدتاً این {فرد} ثروتمند است که نکوهش می‌شود یا افراد متکبر؟ استثنائاتی در میان ثروتمندان نظیر یوسف الرامی<sup>۱</sup> وجود دارد، که به‌عنوان {فردی} ثروتمند<sup>۲</sup> توصیف می‌شود، اما به‌هرحال یکی از حواریون عیسی است (متی، باب بیست‌وهفتم آیه ۵۷). اما هیچ استثنایی در میان کسانی که متکبرند (استکبروا) وجود ندارد، که چگونگی تفسیر و ترجمه پیام افراد ثروتمندی است که از سوی عیسی نکوهش می‌شوند. در مثالی که در این گفتار توصیف می‌شود، قرآن برای ما این امکان را فراهم می‌کند که پیامی را که توسط انجیل‌ها منتقل می‌شود با گزینش واژه‌های چندمعنا و دقیق درک کنیم، درعین حال که در عمل پیام موردنظر را منتقل می‌کند.

به‌طور خلاصه، می‌توان دو مورد را نتیجه‌گیری کرد. نخست، محتمل است که این بخش از قرآن با بدیل خود در انجیل‌ها در ارتباط است. پیش‌ازاین سایر محققان به نتیجه‌گیری مشابه رسیده‌اند؛ اما این گفتار چند میان‌متنیت را برای تأیید این نظر شناسایی کرده است. دوم، احتمالاً قرآن تفسیر دیاتسرون تاتیان را به‌کار می‌برد و تفسیر می‌کند، یا اینکه شاید صرفاً برحسب تصادف به مرد ثروتمندی که از عیسی پرسش می‌کند و مثل احمق ثروتمند، که شیوه‌ای مشابه با شیوه‌ی تاتیان را به‌کار می‌برد، می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر، به مفاهیم مشابه در بخش‌های مختلف انجیل‌ها با یکدیگر، در این مورد درباره افراد ثروتمند (یا متکبر)، اشاره می‌کند.

#### کتابنامه

- ابن منظور. (۱۹۹۴). *لسان العرب*. بیروت: دار سدید.  
الرازی. (۲۰۰۰). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
الطبری. (۲۰۰۰). *جامع البیان فی تأویل القرآن*. بیروت: الرساله.

---

1. Joseph of Arimathea  
2. Plousios

مسلم، و عبدالباقی، محمد فؤاد (ویراستار). (۱۹۹۵). صحیح مسلم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Ali, M. (2008). Rethinking the Semitic Text: A Study of Intertextuality. *Studia Philosophica et Theologica*, 8(1).

Bell, R. (1953). Introduction to the Qur'an. *Edinburgh University publications/Language and literature texts*.

Bertrand, D. A. (1980). L'Évangile des Ébionites: une Harmonie Évangélique Antérieure au Diatessaron. *New Testament Studies*, 26(4), 548-563.

Bishop, E. F. (1941). The Eye of the Needle. *The Muslim World*, 31(4), 354-359.

Botterweck, G. J. & Ringgren, H. (eds.) (1977). *Theological Dictionary of the Old Testament*. Grand Rapids: Eerdmans.

Brown, F., Driver, S. R., & Briggs, C. A. (2000). *The Enhanced Brown-Driver-Briggs Hebrew and English Lexicon: With an Appendix Containing the Biblical Aramaic*. Logos Research Systems.

Ciasca, A. (1888). *Tatiani Evangeliorum Harmoniae Arabice: Nunc Primum ex Duplici Codice Edidit et Translatione Latina Donavit p. Augustinus Ciasca*.

Danker, F. W. (2000). *A Greek-English Lexicon of the New Testament and Other Early Christian Literature*. Chicago: The University of Chicago Press.

Davies, W. D., & Allison, D. C. (1988). *A Critical and Exegetical Commentary on the Gospel According to Saint Matthew* (Vol. 1). Bloomsbury Publishing.

Galadari, A. (2013-a). The Qibla: An Allusion to the Shema'. *Abdulla Galadari (2013) "The Qibla: An Allusion to the Shema"; Comparative Islamic Studies*, 9(2), 165-193.

Galadari, A. (2013-b). The Role of Intertextual Polysemy in Qur'anic Exegesis. *QURANICA-International Journal of Quranic Research*, 4(1), 35-56.

Geiger, A. (2012). *Judaism and Islam: A Prize Essay*. Hong Kong: Forgotten Books. [Original edition Was hat Mohammed aus dem Judenthume aufgenommen?, Bonn: Baaden, 1833]

Greenlee, J. H. (1995). *Introduction to New Testament Textual Criticism*. Hendrickson.

Haupt, P. (1924). Philological and archaeological studies. *The American Journal of Philology*, 45, 238-259.

Higgins, A. J. B. (1984). Luke 1-2 in Tatian's Diatessaron. *Journal of Biblical Literature*, 103(2), 193-222.

Ibn Manzur. (1994). *Lisana al-arab*. Beirut, Lebanon: Dar Sadir.

Jeffery, A. (1938). *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*.

Joosten, J. (2001). Tatian's Diatessaron and the Old Testament Peshitta. *Journal of Biblical Literature*, 120, 501-524.

Kenyon, F. G. (1912). *Handbook to the Textual Criticism of the New Testament*. Macmillan.

Kittel, G., Bromiley, G. W., & Friedrich, G. (Eds.). (1964). *Theological Dictionary of the New Testament*. Grand Rapids: Eerdmans.

- Kraeling, C. H. (1935). A Greek Fragment of Tatian's Diatessaron from Dura: Edited with Facsimile, Transcription and Introduction. *Studies and Documents*.
- Lancaster, R. C., & MacLeod, E. (Ed.). (2008). *Was the New Testament Really Written in Greek? A Concise Compendium of the Many Internal and External Evidences of Aramaic Peshitta Primacy*. Raphael Christopher Lancaster (RCL).
- Luling, G. (1974). Über den Ur-Qur'ān: Ansätze zur Rekonstruktion Vorislamischer Christlicher Strophenlieder im Qur'ān.
- Luxenberg, C. (2004). *Die Syro-aramäische Lesart des Koran: ein Beitrag zur Entschlüsselung der Koransprache*. Verlag Hans Schiler.
- Nasr, S. H., Dagli, C. K., Dakake, M. M., Lombard, J. E., & Rustom, M. (2015). *The Study Quran. A New Translation and Commentary*. New York.
- Nasser, M. M. A. (2013). The Polysemous Nature of Some Arabic Prepositions. *International Journal of Linguistics*, 5(2), 66.
- Nestle, E. (1901). *Introduction to the Textual Criticism of the Greek New Testament* (Vol. 13). Williams and Norgate.
- Neusner, J. (2005). *The Babylonian Talmud: a Translation and Commentary*. Hendrickson Publishers.
- Petersen, W. L. (1994). *Tatian's Diatessaron: its Creation, Dissemination, Significance, and History in Scholarship* (25). Brill.
- Ringgren, H., & Fabry, H. J. (Eds.). (1977). *Theological Dictionary of the Old Testament: Volume III* (Vol. 3). Wm. B. Eerdmans Publishing.
- Rippin, A. (1980). Qur'an 7.40: «Until the Camel Passes through the Eye of the Needle». *Arabica*, 27(2), 107-113.
- Robertson, A. (1925). *T. An Introduction to the Textual Criticism of the New Testament*. Nashville.
- Schmidt, T. E. (1987). *Hostility to Wealth in the Synoptic Gospels* (Vol. 15). A&C Black.
- Smith, R. P., & Hanson, K. C. (Eds.). (2007). *Thesaurus Syriacus*. Wipf and Stock Publishers.
- Souter, A. (1917). *The Text and Canon of the New Testament*. New York, NY: Charles Scribner's Sons.